

در جلسه‌ی گذشته، به این موضوع رسیدیم که «مقام امامت»، موضوعی است که انسان باید به آن برسد و این مقام، تعبیه شده است برای انسان و اصلاً غایتِ خلقتِ انسان می‌باشد. البته رسیدن به مقام امامت از جانب انسان، در ذیل امامتِ ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام که امامان حقیقیِ عالم هستند، می‌باشد. لذا این نگاه به انسان، همان نگاهی است که دین و قرآن به انسان دارند؛ برعکس آنچه که در بیشتر منابر گفته می‌شود مبنی بر اینکه «غایت آن است که ما به بهشت برسیم»، «غایت این است که ما به فوز و سعادت برسیم» و یا «غایت این است که ما الهی بشویم»؛ درحالی که همه‌ی این‌ها، لازمه‌ی رسیدن به مقام امامت هستند و این نگاهی است که قرآن و دین به انسان دارد.

قوس نزول و قوس صعود انسان

برای اینکه بحث انسان‌شناسی در قرآن را تکمیل، از آیات دیگری در این جلسه استفاده می‌کنیم:

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ^۱

که ما انسان را در نیکوترین قوام آفریدیم تا بتواند در نزد خدایش به نیکبختی جاودانه دست یابد. سپس او را چون از مسیر فطرت خارج شد، به جایگاهی پست که از جایگاه همه فرومایگان اهل عذاب پست‌تر بود بازگرداندیم.

إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا^۲

ولی جای اندوه نیست، ما آنچه را که روی زمین است زینتی برای آن قرار داده‌ایم تا بدین‌وسیله مردم را بیازماییم که کدام یک از آنان کردارش نیکوتر است

وَ لَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَ لَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ^۳

و اگر می‌خواستیم، با نشانه‌هایی که به او (بلعم باعورا) نمایاندیم وی را به جایگاهی رفیع بالا می‌بردیم و به قرب خویش می‌رساندیم، ولی نخواستیم، زیرا او به زمین چسبید و به لذت‌های دنیا گرایش یافت و از هوای نفس خود پیروی کرد

با کمک این آیات، می‌خواهیم سیرِ خلقتِ انسان را بررسی کنیم تا بدانیم انسان با چه سیری وارد زمین شد و از این به بعد چه سیری را باید طی کند؟

به تعبیر عرفا، انسان یک قوس نزولی دارد و یک قوس صعودی؛ که این قوس صعود برای متقین اتفاق می‌افتد و برای غیر از آنان، خیر. البته این اصطلاحات، برگرفته از معارف قرآنی و عبارت اخرای آیات قرآن است.

منظور از قوس نزول، آمدن انسان به این عالم خاکی است؛ یعنی، ما پیش از وارد شدن به این دنیا، در عالمی بودیم (مثلاً عالم ذر) که جایگاهی عالی‌تر و بالاتر از این عالم داشت. به همین خاطر است که تعبیری

^۱ آیات ۴ و ۵ سوره‌ی مبارکه‌ی تین

^۲ آیه‌ی ۷ سوره‌ی مبارکه‌ی کهف

^۳ آیه‌ی ۱۷۶ سوره‌ی مبارکه‌ی اعراف

مثل «هبوط» یا «رددنا» را در آیات قرآن هم مشاهده می‌کنید. حال بنابر آیات مذکور، این هبوط و پایین آمدن، اتفاق افتاد تا انسان، مورد امتحان و آزمایش قرار بگیرد و مشخص بشود که چه کسی بهتر عمل می‌کند (لِنَبْلُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا).

بنابراین، بعد از پایین آمدن، انسان باید با عملی که انجام می‌دهد، حرکت کند و به مدد الطاف و فیوضات الهی، رتبه‌ی خودش را ارتقاء بدهد و بالاتر برود تا در نهایت، از این اسفل سافلین به اعلا‌ی علیین (مقام امامت) برسد که در جلسه‌ی گذشته عرض کردیم بعضی به آن می‌رسند و بعضی خیر.

اما هنگامی که عده‌ای پایین آمدند و وارد زندگی دنیایی شدند، دیگر نمی‌توانند از آن دل بکنند و به تعبیر قرآن «می‌چسبند به زمین (اخلد الی الارض)». فلذا قرآن به این عده هشدار می‌دهد که حواستان باشد؛ زیرا آنچه که به عنوان زینت و زیبایی در این زمین مشاهده می‌کنید، برای همین دنیا و همین زمین است؛ نه زینتی برای خودت. پول، زینت، قدرت و ریاست، زرق و برق دنیا و... این‌ها زینت خود انسان نیست؛ بلکه زینت زمین، دنیا و خاک است و در شأن انسان نیست. بنابراین، اگر انسان این‌ها را زینت خودش قرار داد، در واقع خودش را هم رتبه‌ی زمینی که اسفل سافلین بود، قرار داده است و همواره در آن باقی می‌ماند و بالا نمی‌آید. ولی از طرف دیگر، هرچقدر انسان بتواند این دل بستگی‌هایش را به دنیا کاهش بدهد و زینت‌های دنیا را، زینت خودش نداند، بدین معناست که به زمین نچسبیده است و می‌تواند بالاتر و بالاتر برود (قوس صعود).

پس نکته‌ی اصلی این است که اگر ما اعتبارات این دنیا را «حقیقت» تصور کردیم، نتیجه‌اش این می‌شود که در توهم خود باقی می‌مانیم و به زمین می‌چسبیم؛ ولی اگر به این مطلب واقف شدیم که اعتبارات، حقیقت نیستند بلکه اموری بی‌ارزش نابودشونده‌اند، آن‌گاه از زمین بالاتر آمده‌ایم.

نکته: اگر در معنای آیه‌ی زینت که در آیه‌ی «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا» آمده، دقت کنیم، می‌فهمیم که زینت در اینجا، به معنای اعتباریات دنیا، مثل مال و ثروت و ریاست و... می‌باشد. به عبارت دیگر، وقتی یک نفر از زینتی استفاده می‌کند تا زشتی حقیقی خودش را بپوشاند، پس یعنی این زینت، بهره‌ای از حقیقت ندارد؛ بلکه اعتباری است که به طور موقت می‌آید تا آن حقیقت (زشتی) را بپوشاند. لذا زینت، یک چیزی است که می‌آید تا تزئین کند و بپوشاند زشتی را. بنابراین، خود زینت، حقیقت نیست بلکه امری غیرحقیقی (اعتبار) است. نکته‌ی دیگر در خصوص این آیه، این است که: خداوند زینت را برای «زمین» می‌داند نه برای انسان؛ و انسان اگر جذب این زینت شد، می‌چسبد به زمین و نمی‌تواند بالا برود.

نکته: حضرت امام رحمت‌الله‌علیه تعبیر زیبایی در خصوص قوس صعود و نزول دارند. ایشان به قوس نزول می‌گویند

لیله‌القدر محمدی و به قوس صعود می‌گویند یوم‌القیامه احمدی.

وقتی انسان می‌خواهد از مراتب پایین، سیر پیدا کند و به مراتب بالاتر برسد، در حقیقت همان قیامت انسان است؛ به بیانی دیگر، قیامت انسان، چیزی جز آنچه که اکنون در دنیا برای او اتفاق می‌افتد، نیست (به همین خاطر است که در قرآن آمده وقتی بهشتیان از میوه‌های بهشتی تناول می‌کنند، می‌گویند: ما این را از قبل چشیده بودیم: كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رُزِقُوا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ. یا در تعبیر دیگر در سوره‌ی ق این‌طور آمده که وقتی انسان وارد قیامت می‌شود، در حقیقت، فقط پرده‌ها برداشته می‌شود و انسان می‌تواند

حقیقتِ اعمالِ خویش را ببینید: لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ. پس، این قیامت، دقیقاً خودِ همین عملی است که انسان انجام می‌دهد؛ و فقط غطاء و پرده‌ای وجود دارد که انسان نمی‌تواند حقیقتِ اعمالش را به درستی درک کند. به همین خاطر است که حضرت امام، به قوس صعود می‌گویند: یوم‌القیامه احمدی. اگر چنین نگاهی داشته باشیم، تازه آن وقت است که احادیثِ مربوط به جهنمیان و کارهای آن‌ها در جهنم را درک می‌کنیم.